

واکاوی مبانی مشروعیت اقتدار نخبگان سنتی روستایی در راهبری توسعه اجتماع محلی (مورد مطالعه: اجتماعات روستایی شهرستان سردشت)

حسین ایمانی جاجرمی*^۱ و جمال عبدالله پور^۲

تاریخ دریافت: ۱۳۹۶/۰۴/۳۱ - تاریخ پذیرش: ۱۳۹۷/۰۴/۳۰

چکیده:

نخبگان سنتی روستایی در مناطق کردنشین از جمله ظرفیت‌های اجتماع محلی‌اند که با توجه به دارا بودن دانش بومی و اقتدار در اداره امور، در راهبری اقدامات توسعه‌ای نظیر بسترسازی، برنامه‌ریزی، توجیه و متقاعدسازی، کسب موافقت و جلب مشارکت، نقش دارند. در این پژوهش با تأکید بر این تجارب در روستاهای شهرستان سردشت، منشأ مشروعیت اقتدار آنها در راهبری اقدامات توسعه‌ای در پرتو رویکرد نظری اقتدار وبر و توسعه محلی و با تکیه بر روش‌شناسی کیفی در گردآوری و تحلیل داده‌ها واکاوی شده است. بر اساس یافته‌ها، روحانیون به عنوان نخبگان سنتی با داشتن شخصیتی مردم‌دار و معنوی، از مشروعیت کارزماتیک برخوردارند. ضمن آنکه پشتوانه دینی، مبنایی برای مشروعیت ارزشی آنها فراهم کرده و باعث شده در طول تاریخ اجتماع محلی، از مرجعیت برخوردار باشند و به عبارتی دیگر مشروعیت سنتی در اقتدار داشته باشند. ریش سفیدان نیز با توجه به سنت تبعیت از بزرگان در اجتماع محلی، مشروعیت سنتی دارند. نتایج بیانگر وجود ترکیبی از مشروعیت نخبگان سنتی است که ریشه در نظام دینی و فرهنگی حاکم بر اجتماع دارد. قانون در اجتماع محلی مبنایی برای مشروعیت محسوب نمی‌شود. اتکای شوراهای اسلامی و دهیاران در مدیریت جدید توسعه روستایی، به مشروعیت ناشی از سنت‌های اجتماع محلی می‌تواند آنها را در راهبری توسعه تقویت کند و به اقتدار آنها در راهبری امور که در وضعیت ضعیفی قرار دارد بینجامد.

کلیدواژه‌ها: اقتدار، توسعه محلی، رهبری، مشروعیت، نخبگان سنتی.

۱. دانشیار گروه مطالعات توسعه اجتماعی دانشکده علوم اجتماعی، دانشگاه تهران (نویسنده مسئول). imanijajarmi@ut.ac.ir

۲. دکتری جامعه‌شناسی توسعه اجتماعی روستایی. jamalabdollahpour@gmail.com

مقاله مستخرج از رساله دکتری است.

مقدمه و بیان مسئله

توسعه محلی^۱ به مثابه ایده بهبود عرصه‌های متعدد زیست‌جهان افراد در مقیاس اجتماع محلی^۲ با محوریت مشارکت اجتماع هدف است. تجربه توسعه محلی دولت‌محور در ایران و دیگر کشورهای جهان سوم، بیانگر نگرش برنامه‌ریزی و اجرای توسعه مبتنی بر نگاه مهندسی و تخصصی متولیان توسعه بدون حضور مردم اجتماعات محلی است و در جایی که مشارکت اجتماع هدف نیز وجود داشته، نگرشی ابزاری حاکم بوده است. بنابراین مردم اجتماعات روستایی در اقدامات توسعه‌ای دولت‌محور بیشتر دریافت‌کننده توسعه بوده و در فرایند پیشبرد آن چندان دخالتی نداشته‌اند. این در حالی است که خود مردم اقدامات گوناگونی را با محوریت ظرفیت‌های اجتماع خود در جهت بهبود و توسعه به عمل آورده‌اند.

بهره‌گیری از ظرفیت‌ها و سرمایه‌های اجتماعات روستایی با هدف مشارکت در فرایند اقدامات توسعه‌ای که با محوریت مردم و دولت انجام می‌شود، ضمن بسترسازی و عملیاتی کردن رویکرد مردم‌گرای توسعه پایین به بالا؛ بر ناهمواری‌ها و موانع غلبه کرده و عملکرد مناسبی در تحقق اهداف پیش رو در بر خواهد داشت. سهیم شدن مردم در توسعه، به کاهش هزینه‌های متفاوت ناشی از عدم مشارکت و مقاومت سنتی در برابر تغییرات و پیامدهای جانبی آن خواهد انجامید.

نخبگان و گروه‌های مرجع روستایی به عنوان سرآمدانی که در عرصه‌های مختلف روستا صاحب ایده و دانش نوین و یا بومی هستند. آنها از اقتدار^۳ و مشروعیت^۴ در پیشبرد امور روستا برخوردارند، یا توانمندی‌های دیگری فراخور نیاز روستا دارند که در واقع نوعی برتری برای دارندگان آن به حساب می‌آید. آنها از جمله سرمایه‌ها و ظرفیت‌های روستا در پیشبرد فرایندهای گوناگون اقدامات توسعه‌ای محسوب می‌شوند. شوراهای اسلامی روستا و دهیاران به عنوان نخبگان و گروه‌های مرجع جدید در اجتماع محلی و روحانیون، بزرگان طوایف، کدخدایان و ریش‌سفیدان به عنوان گروه مرجع و نخبگان سنتی در این نوع اجتماعات از جمله نیروهایی‌اند که در راهبری و اداره امور عمومی اجتماع محلی نقش دارند و محل رجوع مردم در پیگیری و انجام اقدامات و امور مختلف اجتماع روستایی‌اند.

1. Community development
2. Local community
3. Authority
4. legitimacy

مناطق کردنشین از جمله اجتماعات روستایی شهرستان سردشت^۱، جزو مناطقی از کشور به شمار می‌روند که نخبگان سنتی نظیر روحانیون و ریش سفیدان به تعبیری دیگر معتمدین سنتی، در راهبری امور اجتماع روستایی از مشروعیت و اقتدار برخوردار می‌باشند. این موضوع، بیانگر وجود ظرفیت‌ها و سرمایه‌هایی در اجتماعات روستایی این مناطق است که می‌توان از آن به عنوان دارایی‌های اجتماع محلی در راهبری اقدامات توسعه‌ای بهره گرفت. تجارب پروژه‌های توسعه‌ای (نظیر برق‌رسانی، آب‌رسانی، ساخت مدرسه و خانه بهداشت) که توسط جهاد سازندگی در مناطق روستایی این شهرستان و بعداً توسط دستگاه‌های اجرایی ذی‌ربط انجام شده و یا می‌شود و اقدامات توسعه‌ای عمرانی و غیر عمرانی مردم‌محور، بیانگر نقش این نخبگان در راهبری این اقدامات با استفاده از مشارکت مردم روستاهاست. نقش روحانیت در راهبری امور و اقدامات توسعه‌ای به لحاظ اقتدار و نفوذ اجتماعی آن و میزان التزام مردم به دین در روستاهای شهرستان سردشت، بسیار پررنگ است. در کنار آن نیروهای ریش سفید نیز از اقتدار خاصی برخوردار بوده و به راهبری در امور و اقدامات توسعه‌ای مشغول می‌شوند. این موضوع به معنای ناکارآمدی مدیریت جدید توسعه روستایی نبوده بلکه آنها نیز در امور مربوطه فعال بوده و نقش بسزایی دارند، لیکن نخبگان سنتی به دلیل دارا بودن اقتدار و نفوذ، نقش اصلی رهبری امور را ایفا می‌کنند که شوراها اسلامی و دهیاران به اندازه کافی این ظرفیت را ندارند.

با توجه به اقدامات گوناگون توسعه‌ای دولت‌محور و مردم‌محور که در اجتماعات روستایی شهرستان سردشت و تجارب نخبگان سنتی در راهبری اموری نظیر بسترسازی (تعامل با مردم، نخبگان محلی و دستگاه‌های اجرایی به منظور زمینه‌سازی جذب اعتبارات و امکانات دولتی، شناسایی ظرفیت‌های محلی و بهره‌گیری از آنها و آگاه‌سازی و ارائه ایده)، تصمیم‌گیری و برنامه‌ریزی مبتنی بر خرد جمعی، توجیه و متقاعدسازی (برمبنای آموزه‌های دینی، شیوه‌های کدخدامنشانه و بیان کارکردهای مثبت و منفی اقدامات) و در نهایت اخذ موافقت مردم (موافقت با رفع موانع، مشارکت در امور، پذیرش اقدامات) و جلب مشارکت آنها (مشارکت مالی و تأمین نیروی انسانی) (عبدالله پور، ۱۳۹۶)؛ پژوهش حاضر به واکاوی منشأ مشروعیت اقتدار این دسته از نخبگان پرداخته است. اهمیت اقتدار اجتماعی گروه‌های مورد مطالعه با توجه به کارکردها و تجاربی که داشته‌اند، انجام تحقیق در خصوص شناخت

۱. واقع در جنوب استان آذربایجان غربی.

۲. برای توضیحات بیشتر در خصوص کارکردها و تجارب به گزارش رساله، مراجعه شود.

مبانی مشروعیت اقتدار آنان را ضروری می‌سازد. ضمن اینکه می‌توان با شناخت منشأ اقتدار نخبگان سنتی، بسترهای لازم را با هدف ارتقای اقتدار شوراهای اسلامی و دهیاران جهت رهبری اقدامات توسعه‌ای فراهم کرد. در مجموع چنین شناختی، زمینه‌ای برای بهره‌گیری از تجارب این نوع از نخبگان در توسعه محلی و تلفیق آن با روش‌های جدید مدیریت توسعه روستایی است. رهبری امور، مدیریت مبتنی بر نفوذ در مردم بوده و پیروی از دستورات رهبران بدون توجه به مبانی مشروعیت آن امکان‌پذیر نیست.

به منظور فهم نظری و تجربی موضوع، تحقیق در پی پاسخ به این سؤالات است که با توجه به تبعیت مردم از دستورات نخبگان سنتی روستایی در پیشبرد و راهبری توسعه محلی، مشروعیت گروه‌های مزبور از کجا نشأت می‌گیرد؟ نخبگان یا مدیریت جدید روستایی با توجه به نبود مشروعیت و یا ضعف آن در راهبری اقدامات توسعه‌ای، از چه سازوکاری برای کسب موافقت و جلب مشارکت مردم در این فرایندها بهره می‌گیرند؟

ادبیات تحقیق

رویکردهای نظری توسعه محلی نظیر توسعه مشارکتی، پساتوسعه، دانش بومی و توسعه محلی دارای مبنا بر اهمیت استفاده از ظرفیت‌های محلی در بهبود وضعیت اجتماعات محلی تأکید دارند. این ظرفیت‌ها مواردی نظیر مشارکت، سرمایه اجتماعی، سرمایه فیزیکی، سرمایه‌های فکری و به ویژه دانش بومی اجتماع محلی را شامل می‌شود (بهزاد و احمد، ۲۰۱۲؛ اسکوبار، ۱۹۹۵، ۲۰۰۰، ۲۰۰۷؛ ماتی و کونینگهام، ۲۰۰۳؛ سکات و دیگران، ۲۰۰۵؛ کرتزمان و مک‌نایت، ۱۹۹۳؛ محمد و سیلونگ، ۲۰۱۰؛ رحمان، ۱۹۹۳). نخبگان و معتمدین محلی با توجه به اقتدار اجتماعی و توانمندی‌هایشان می‌توانند اجتماع هدف را به صورت داوطلبانه و خودجوش با اهداف توسعه محلی همسو سازند و بستر توسعه مبتنی بر زمینه‌های فرهنگی، تاریخی و بومی را فراهم کنند، از اینرو جمله ظرفیت‌های مهم اجتماع محلی در راهبری اقدامات توسعه‌ای محسوب می‌شوند. در تحقیقات و سیاست‌گذاری برخی کشورها بر ظرفیت نخبگان محلی به ویژه نخبگان سنتی در راهبری توسعه محلی تأکید زیادی شده است (برای نمونه بیکم و چاکویزیرا، ۲۰۱۴؛ تلهواله، ۲۰۱۲؛ سکات و دیگران، ۲۰۰۵؛ محمد و سیلونگ، ۲۰۱۰؛ اوزور و نوانکو، ۲۰۰۸). آنچه در رهبری امور اجتماع محلی مدنظر است این است که بتوان با استفاده از نفوذ افرادی که عهده‌دار رهبری می‌شوند، توسعه مبتنی بر خواست مردم را به وجود

آورد. به باور محمد شتر^۱ صبران (۲۰۰۳)، رهبری و توسعه محلی، بسیار به هم مرتبط و نزدیک‌اند. تلاش برای دستیابی به توسعه اجتماعات محلی با حضور رهبران در آن اجتماعات محقق می‌شود. بدون رهبران، توسعه محلی ممکن است به ندرت به نتیجه معطوف به هدف برنامه‌های توسعه منجر شود (محمد و سیلونگ، ۲۰۱۰). رهبران محلی در بستر اجتماع محلی از طریق نفوذی که بر پیروان خود دارند، اجتماع محلی را برای دستیابی به اهداف توسعه‌ای آن هدایت می‌کنند (سیلونگ، ۲۰۰۹). آرنشتاین (۱۹۶۹) نیز به رهبران و گروه‌هایی سازمان‌یافته در داخل اجتماع محلی اشاره می‌کند که به طور مؤثری می‌توانند مشارکت را تسهیل کنند (گرشمن^۲، ۲۰۱۳: ۳۵-۳۱).

صرف‌نظر از شیوه‌ها و الگوهای رهبری^۳ در اقدامات توسعه‌ای، آنچه اهمیت دارد، برخورداری نخبگان از مشروعیت لازم برای همراه‌سازی مردم است. به باور وبر اقتدار دلالت بر حق مشروع افرادی دارد که انتظار دارند دیگران به میل خودشان به فرمان آنها تن دهند (کوزر، ۱۳۸۰: ۳۱۱). از نظر وبر اینکه چرا برخی انسان‌ها از مشروعیت در فرماندهی برخوردارند و دستورات آنها بدون مقاومت و از روی میل پذیرفته می‌شود، از بستر جامعه، سنت‌ها و ویژگی‌های آن ناشی می‌شود (۱۳۷۴: ۲۶۹). وبر در اقتدار مشروع سه نوع خالص اقتدار عقلایی، اقتدار سنتی و اقتدار کاریزماتیک را تشخیص داده است.

مشروعیت در اقتدار قانونی بر اساس ضوابط و قواعد منطقی به دست می‌آید که شخص دارای این نوع اقتدار، در صورت عدول از این ضوابط منطقی، مشروعیت خود را از دست خواهد داد (رفیع‌پور، ۱۳۸۴: ۴۵۰). اطاعت مبتنی بر قانونیت صوری دستورها و در محدوده صلاحیت آنها قرار دارد (وبر، ۱۳۷۴: ۲۷۴). مشروعیت اقتدار سنتی، مشروعیتی است که مردم در طول زمان در محیط اجتماعی خود به آن عادت کرده‌اند، چه مشروعیت یک سلطان یا شاه باشد و چه مشروعیت یک ارباب و یا خان که رعایا او را می‌پذیرند و خود را به او وابسته می‌دانند (رفیع‌پور، ۱۳۸۴: ۴۵۰). در اقتدار سنتی از سرور و رئیس که مقام ریاست و رهبری خود را مدیون سنت بوده و به آن مقید است، پیروی می‌شود (وبر، ۱۳۷۴: ۲۷۴). مشروعیت کاریزماتیک وقتی به دست می‌آید که مردم یک جامعه، به صاحب اقتدار، به علت شخصیت

1. Shatar

2. Gershman

۳. رهبری فرهمند (وبر، ۱۹۴۷؛ هاوس، ۱۹۷۷)، رهبری مشارکتی (وروم و یتون، ۱۹۷۳)، رهبری خدمت‌گزار (گرینلیف، ۱۹۷۷) و رهبری معنوی (براون و ترینو، ۲۰۰۶) به نقل از (ترکزاده و جعفری، ۱۳۹۱)؛ از جمله الگوهای رهبری‌اند.

پرجاذبه و خارق‌العاده‌اش (مثلاً از ابعاد مذهبی یا قهرمانی) علاقه‌مند می‌شوند و اقدامات او را تأیید کرده و موجه می‌دانند (رفیع‌پور، ۱۳۸۴: ۴۴۹). در اقتدار کاریزماتیک، از شخص رهبر بنا به اعتماد به شخص، وحی نازل‌شده، یا قهرمانی و سرمشق بودن او در محدوده اعتقاد به کاریزمای وی اطاعت می‌شود (وبر، ۱۳۷۴: ۲۷۴). اقتدار کاریزماتیک نه به خدمت‌گزاران نیاز دارد و نه به کارمندان، بلکه تنها و تنها به هواداران و مریدانش سرسپرده است (فرون، ۱۳۶۲: ۲۴۵).

از نظر وبر هیچ‌یک از سه نوع اقتدار به طور واقعاً خالص وجود ندارد (۱۳۷۴: ۲۷۴). در واقعیت تجربی آمیزه‌ای از انواع مشروعیت اقتدار را می‌توان یافت (پلگرینو^۱، ۲۰۱۰؛ سامر^۲، ۲۰۱۱). صاحب‌نظران و محققان، انتقادات چندی را بر دیدگاه اقتدار وبر وارد کرده‌اند که می‌تواند قدرت تبیینی دیدگاه وبر را تکمیل کند. یکی از انتقادات وارده، جایگاه اقتدار نوع چهارم در نظریه اقتدار وبر است. محققان و نظریه‌پردازانی نظیر (آرون، ۱۳۷۰)، ویلر^۳ (۱۹۶۷)، ساتو^۴ (۱۹۷۵)، ناس^۵ (۱۹۸۶)، گوزمان^۶ (۲۰۰۷) و پارسونز (۱۹۴۷) بر این باورند که در سنخ‌شناسی وبر، جای خالی اقتدار مبتنی بر مبانی ارزشی احساس می‌شود که با کنش عقلانی معطوف به ارزش و مشروعیت عقلایی - ارزشی همخوانی دارد. این نوع اقتدار را می‌توان به منزله اقتدار ایدئولوژیکی، حرفه‌ای و یا ارزشی تلقی کرد. اطاعت در اینجا، مرهون شخص خاصی نیست بلکه نسبت به نهایت ایدئولوژی است. محتوای فرمان‌ها در این نوع اقتدار، به وسیله ارتباط آن با نهایت ایدئولوژی مشروعیت یافته است (ویلر، ۱۹۹۴: ۱۳۴). مشروعیت روحانیت، فرماندهان در جبهه‌های جنگی و مشروعیت در سازمان‌های حرفه‌ای می‌تواند مصادیقی بر این نوع اقتدار باشد. انتقادات دیگری نیز به نظریه وبر نظیر شکست در تمیز دادن ناکافی بین اقتدار شخصی و اقتدار نهادی (مک اینتوش^۷، ۱۹۷۰؛ بلا^۸، ۱۹۶۳؛ فردریک^۹، ۱۹۶۱ و لازارسفلد و اوبرشال^{۱۰}، ۱۹۶۵)؛ مردانه بودن اقتدار در دیدگاه وبر (مک اینتوش، ۱۹۷۰)؛ تداوم اقتدار کاریزماتیک و روزمره نشدن آن در سنت‌های مذهبی (بروکوپ^{۱۱}، ۲۰۰۵) و

-
1. Anthony M. Pellegrino
 2. Michael Sommer
 3. Willer
 4. Satow
 5. Nass
 6. Guzman
 7. McIntosh
 8. Blau
 9. Friedrich
 10. Lazarsfeld and Oberschall
 11. Jonathan E. Brockopp

کم‌توجهی و بر به افکار عمومی به عنوان یکی از بنیان‌های مشروعیت اقتدار (فوردی، ۲۰۱۱) وارد شده است.

بر اساس مباحث مطرح‌شده، در رویکردهای نظری توسعه محلی بر اهمیت و جایگاه رهبری و نسبت آن با توسعه در اجتماعات محلی تأکید شده که بیانگر وجود ظرفیت‌هایی است که مردم با تبعیت از دستور آنها به طور داوطلبانه در فرایندهای توسعه محلی درگیر می‌شوند. نظریه اقتدار و بر با تأکید بر انتقادهای وارده بر آن، بنیان‌های مشروعیت اقتدار رهبران را تبیین کرده است. هدف از انتخاب این رویکردها، بازشدن ذهن پژوهشگر و یا ایجاد حساسیت نظری و آشنایی با ابعاد و مشخصه‌های موضوع مورد پژوهش و هدایت عمومی فرایند تحقیق به تبعیت از پژوهشگران کیفی است.

روش تحقیق

از روش پژوهش کیفی مبتنی بر رهیافت مردم‌نگاری^۱ برای پاسخگویی به سؤالات پژوهش استفاده شده است. در گردآوری داده‌ها از تکنیک مصاحبه عمیق و در تحلیل آنها از تکنیک تحلیل موضوعی^۲ استفاده شده است. از آنجا که امکان پژوهش در تمامی اجتماعات روستایی شهرستان سردشت^۳ وجود نداشت، تحقیق در شش روستا واقع در دهستان بریاجی بخش مرکزی انجام شد.^۴

روش کار واکاوی منشأ مشروعیت اقتدار نخبگان سنتی روستایی در راهبری توسعه محلی در دو مرحله به شرح ذیل بوده است:

بروکوپ به نقل از دباشی (۱۹۸۹)، اشاره می‌کند که به نوعی از دسته‌بندی بین شکل کاریزمای خالص و روزمره‌شده نیاز است به ویژه اینکه اقتدار کاریزماتیک در مذهب شیعه، روزمره نشده بلکه از کاریزمای خالص به کاریزمای خالص ادامه دارد؛ همان نیروی کاریزماتیکی که در زمان پیامبر اسلام (ص)، شکل گرفته و خودش را در دوره تاریخ اسلامی جاودانه و همیشگی کرده است.

1. Ethnography

2. Thematic analysis

۳. این شهرستان در جنوب استان آذربایجان غربی قرار دارد که کردنشین (لهجه کردی سورانی) بوده و ساکنان از نظر مذهبی اهل سنت پیرو امام شافعی هستند. در حدود ۴۳ درصد جمعیت این شهرستان در مناطق روستایی و ۵۷ درصد در مناطق شهری زندگی می‌کنند. شهرستان سردشت به مرکزیت سردشت، دارای دو شهر دیگر به نام ربط و میرآباد و ۲۵۶ روستا دارای سکنه (۲۸ روستا سه خانوار و کمتر) است (مرکز آمار ایران - سرشماری عمومی نفوس و مسکن ۱۳۹۵). شهرستان سردشت دارای دو بخش مرکزی و وزینه و شش دهستان گورک سردشت، گورک نعلین، باسک کولسه، ملکاری، بریاجی و آلان است.

۴. در این دهستان دو منطقه روستایی منتهی به مرز کیله (شامل روستاهای نشکولان (۱۵۱ نفر)، بیوران سفلی (۱۳۰۹ نفر)، بیوران علیا (۵۶۰ نفر) و کنه‌مشکه (۲۹۲ نفر)) و مرز قاسم‌رش (شامل روستاهای بنوخلف (۴۲۲ نفر) و گل‌کنگ (۵۳۴ نفر) انتخاب شد که انتخاب آن به دلایلی چند از جمله تجربه زیسته پژوهشگر در این منطقه و آشنایی کامل با روندهای توسعه آن و نقش نخبگان سنتی در راهبری اقدامات توسعه‌ای در سطح آن اجتماعات، بوده است. آمارها بر اساس سرشماری عمومی نفوس و مسکن ۱۳۹۵ است.

مرحله اول: شناسایی کلیه افراد و گروه‌های اجتماع محلی در روستاهای انتخاب شده که به طور دائم در روستا مستقر بوده و به نحوی با راهبری و مدیریت امور عمومی روستا به ویژه اقدامات توسعه‌ای در ارتباطند یا به تعبیری دیگر در این زمینه گروه مرجع محسوب می‌شوند. پس از بررسی و جستجوی کافی مبتنی بر روش گلوله برفی در روستاهای مورد پژوهش چهار گروه روحانیون^۱، ریش سفیدان، شوراهای اسلامی و دهیاران شناسایی شدند. روحانیون و ریش سفیدان در زمره نخبگان سنتی روستا بوده که از گذشته در راهبری امور در روستاها نقش آفرینی می‌کنند. منظور از ریش سفید در عرف محلی صرفاً افرادی با شرایط سنی بالا و ظاهر خاص نیستند بلکه آن دسته از بزرگان محلی‌اند که مورد اعتماد مردم بوده و با توجه به علاقه‌مندی آنان به درگیری و مشارکت داوطلبانه در فعالیت‌ها و امور اجتماع محلی، از اقتدار و نفوذ بالایی در راهبری و مدیریت برخوردارند. در واقع می‌توان آنان را معتمدین سنتی نام نهاد که از گذشته در اجتماع محلی با توجه به چارچوب‌های عرفی و سنتی، امور عمومی را راهبری کرده‌اند. در پژوهش حاضر از عنوان ریش سفید^۲ برای اشاره به نام این دسته از نخبگان سنتی روستا استفاده شده است. همان طور که در مقدمه نیز بیان شد و با توجه به پژوهشی که در این زمینه انجام شده (ر.ک.: به عبدالله‌پور، ۱۳۹۶)، اعضای شوراهای اسلامی و دهیاران نقش راهبری را در پیشبرد اقدامات توسعه‌ای که مدیریت مبتنی بر نفوذ و اقتدار است، ایفا نمی‌کنند بلکه در این زمینه از ظرفیت نخبگان سنتی بهره می‌گیرند. از این رو این دو گروه، به لحاظ مرجعیت در اداره امور روستا، مطابق با قوانین و مقررات کشوری، انتخاب شده‌اند. شوراهای اسلامی و دهیاری، نخبگان جدید در اداره امور تلقی می‌شوند.

۱. لازم به ذکر است در اکثریت قریب به اتفاق اجتماعات روستایی این شهرستان، روحانی به صورت دائمی در سطح روستا مستقر بوده که توسط ریش سفیدان روستا انتخاب شده و حقوق وی توسط خود مردم پرداخت می‌شود. بنا بر اعلام نمایندگی ولی فقیه در امور اهل سنت استان آذربایجان غربی شعبه شهرستان سردشت، این شهرستان دارای ۲۲۰ باب مسجد بوده که ۲۹ مسجد در شهر سردشت، ۸ مسجد در شهر میرآباد، ۶ مسجد در شهر ربط، ۶ مسجد در روستای نلاس، ۲ مسجد در روستای بیوران سفلی، ۲ مسجد در روستای ساوان و مابقی ۱۶۷ مسجد در دیگر روستاهای شهرستان بوده که سهم هر روستا یک مسجد است. بر این اساس، ۹۰ روستا به دلیل جمعیت کم مسجد و در نتیجه روحانی ندارند. تعداد روحانیون تحت پوشش نهاد مذکور، ۲۵۰ روحانی بوده که با احتساب روحانیون فاقد تحت پوشش این نهاد، می‌توان تعداد آنان در شهرستان را نزدیک به ۲۸۰ نفر برآورد کرد. بنا بر اعلام نظر این نهاد، روحانیون منطقه غیر از شهریه و بیمه سلامت، حقوقی را از این نهاد و یا دیگر نهادهای حکومتی و دولتی بابت ارشاد دینی در روستاها و یا دیگر مکان‌ها دریافت نمی‌کنند. نظام آموزشی روحانیت به دو شکل حوزوی رسمی (حوزه‌های رسمی زیر نظر نمایندگی ولی فقیه در امور اهل سنت) و حوزوی غیر رسمی (حجره‌های سنتی مساجد شهر و روستا زیر نظر روحانی مستقر در آن مسجد و با آموزش‌های مورد تایید مراجع ذیصلاح) است. در مناطق کردنشین و زبان کردی از لفظ «ماموستا» به جای روحانی استفاده می‌شود که حاکی از احترام فراوان به جایگاه این قشر است. ناگفته نماند از کلمه «ملا» هم در اشاره به نام این قشر استفاده می‌شود اما در مواقع صدازدن این افراد و یا در متون نوشتاری اغلب از واژه «ماموستا» استفاده می‌شود. در واقع کاربرد لفظ «ماموستا» برای روحانیت به معنای استاد بودن آنها در امور دینی است.

۲. عناوین خاصی برای این افراد در زبان کردی نظیر ریشسپی (ریش سفید)، کویخا (کدخدای)، پیواماقول (مرد خردمند) و باوه‌پیکراو (معتمد) به کار برده می‌شود.

مرحله دوم: شناسایی اقدامات توسعه‌ای اعم از همه پروژه‌ها و برنامه‌هایی که با هدف بهبود وضعیت اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی و زیست‌محیطی توسط دولت یا خود مردم صورت گرفته است. در اینجا از هر یک از افراد مذکور سؤال شده که چه اقداماتی در روستای شما توسط دولت یا مردم با هدف بهبود وضعیت اجتماع محلی به عمل آمده و نخبگان سنتی و جدید چه نقشی در راهبری فرایند آن ایفا کرده، در صورت ایفای نقش دلایل اقتدار وی در زمینه راهبری چه بوده است. در اینجا مصاحبه‌نامه‌ای تدوین شد تا راهنمای کار باشد و بر اساس آن بتوان به داده‌های مورد نیاز در خصوص سؤالات تحقیق دست یافت. تلاش بر آن بوده تا با تکیه بر اقدامات مشخص، عملیاتی و ملموس ی که اتفاق افتاده و یا در حال اجراست نقش نخبگان سنتی را در راهبری آن واکاوی کرد. تعداد ۹۰ اقدام توسعه‌ای پروژه‌ای (اعم از پروژه‌های برق‌رسانی، آب‌رسانی، جاده‌سازی، مدرسه‌سازی، ساخت مسجد و کتابخانه) و دیگر برنامه‌های غیر پروژه‌ای محلی مبنای کار قرار گرفت.^۱

انتخاب این شیوه گردآوری داده به کسب اطلاعات متقن‌تر و افزایش قابلیت اعتماد یا اعتمادپذیری^۲ داده‌ها و نتایج خواهد انجامید. طی مصاحبه با افراد انتخاب‌شده علاوه بر گردآوری داده‌های مورد نیاز، مقایسه داده‌ها و ارزیابی قابلیت اعتماد نیز انجام و داده‌های بیشتری در خصوص نقش نخبگان سنتی روستا در راهبری توسعه گردآوری می‌شد. مصاحبه با افراد مذکور تا جایی پیش رفته که داده‌های مورد نظر برای پاسخگویی به سؤالات پژوهش کافی بوده و به تعبیری دیگر اشباع لازم فراهم شد. در مجموع با شش نفر روحانی، نه نفر ریش سفید، شش نفر رئیس شورای اسلامی و شش نفر دهیار مصاحبه شد. لازم به ذکر است بیشترین زمان اختصاص داده‌شده در شناسایی افراد، مربوط به ریش سفیدان بوده که سعی شده با کسب اطلاعات لازم از روحانی، شورای اسلامی روستا و دهیار و دیگر معتمدین محلی انتخاب شوند.

پس از گردآوری داده‌ها و پیاده کردن در قالب متن، از تکنیک تحلیل موضوعی برای واکاوی و پاسخ به سؤالات تحقیق استفاده شد. تحلیل موضوعی یکی از متعارف‌ترین و پرکاربردترین روش‌های تحلیل داده‌های کیفی به ویژه مردم‌نگاری است که در سایر

۱. لازم به ذکر است اطلاعات اقدامات توسعه‌ای مذکور به تفکیک عنوان پروژه، عاملیت پروژه (مردم‌محور/ دولت‌محور)، مدیریت پروژه (دستگاه‌های اجرایی و یا نخبگان محلی نظیر ریش سفیدان/ روحانیون/ شوراهای اسلامی/ دهیاران)، وضعیت مشارکت و موافقت اجتماع محلی (مشارکت مالی/ تأمین نیروی انسانی/...) و راهبری مردم در جلب مشارکت و کسب موافقت (کسانی که زمینه‌های مشارکت مردمی و موافقت با اقدامات توسعه‌ای را فراهم و آن را جلب می‌کنند که معمولاً نخبگان سنتی نظیر روحانیون و ریش سفیدان به دلیل برخورداری از مشروعیت اجتماعی این وظیفه را بر عهده دارند) دریافت شده است.

رهیافت‌های تحلیلی به ویژه نظریه زمینه‌ای استفاده می‌شود (محمدپور، ۱۳۹۲ ب: ۶۶ به نقل از امرسون و همکاران، ۱۹۹۵: ۱۴۶-۱۴۴) تحلیل موضوعی عبارت است از تحلیل مبتنی بر استقرای تحلیلی که در آن محقق از طریق طبقه‌بندی، شاخص‌بندی داده‌ها و الگویابی درون داده‌ای و برون داده‌ای به یک سنخ‌شناسی تحلیلی دست می‌یابد. در تعریفی دیگر، تحلیل موضوعی عبارت است از عمل کدگذاری^۱ و تحلیل داده‌ها با این هدف که داده‌ها چه می‌گویند (محمدپور، ۱۳۹۲ ب: ۶۶). در این تحقیق با استفاده از عمل کدگذاری سه مرحله‌ای باز (استخراج مفاهیم اولیه از هر عبارت متن)، محوری (استخراج مقولات عمده پژوهش) و هسته‌ای (کدگذاری گزینشی و استخراج مقوله هسته)؛ مفاهیم مرتبط با منشأ مشروعیت اقتدار مشخص و با استناد به روایت‌های مصاحبه‌شوندگان به منظور توصیف و تفسیر دقیق‌تر موضوع اقدام شد.

یافته‌های تحقیق

به منظور شناخت منشأ مشروعیت اقتدار نخبگان سنتی در راهبری اقدامات توسعه‌ای، پس از کدگذاری باز متن مصاحبه‌های انجام‌شده، مقولات چهارگانه شخصیت مردمی، شخصیت معنوی، سنت پیروی از بزرگان و پشتوانه دینی استخراج شد که اگر بخواهیم آنها را بر اساس دیدگاه‌های نظری تحقیق در سطحی انتزاعی‌تر دسته‌بندی کنیم، می‌توان سه مبنا را برای مشروعیت بازشناسی کرد: برخورداری از شخصیت مردمی و معنوی به عنوان مشروعیت کاریزماتیک، سنت پیروی از بزرگان به عنوان مشروعیت سنتی و پشتوانه دینی به عنوان مشروعیت ارزشی. نخبگان سنتی در راهبری اقدامات توسعه‌ای در سطح اجتماع محلی از اقتدار کاریزماتیک، سنتی و ارزشی برخوردار بوده در حالی که مبنای مشروعیت اقتدار ریش‌سفیدان، فقط سنت است. یافته‌ها بیانگر فقدان مشروعیت عقلانی و قانونی در راهبری اقدامات توسعه‌ای در اجتماع محلی است. از این رو می‌توان گفت مشروعیت نخبگان سنتی، مشروعیت ناشی از زمینه‌های فرهنگی اجتماع محلی است که می‌توان به عنوان کد هسته‌ای تلقی کرد.

جدول ۱. منشأ مشروعیت اقتدار نخبگان سنتی در راهبری اقدامات توسعه‌ای در سطح اجتماع محلی

نخبگان و گروه‌های مرجع	مفاهیم (کدگذاری باز)	مقوله/مرحله اول (کدگذاری محوری)	مقوله/مرحله دوم (کدگذاری محوری)	هسته (کدگذاری گزینشی)
روحانیون	ارتباط با مردم/ از جنس مردم بودن/ مراد به مردم/ دلسوز دانستن/ اعتبار در اثر دلسوزی و امانت‌داری/ برخورد صبورانه با مردم/ ارتباط با مردم و شورا و دهیاری/ ارتباط نزدیک روحانی با مردم در مقایسه با شورا / محرک کار خوب و عدم تفاوت بین مردم/ محترم/ تلاش و کار برای روستا بدون درخواست / واقعیت خدمت به مردم نه کسب جایگاه و مقام/ دلسوزی و زحمت کشیدن برای روستا	شخصیت مردمی	مشروعیت کاریزماتیک	مشروعیت ناشی از زمینه‌های فرهنگی اجتماع محلی
روحانیون	روحانی شخصیتی بزرگ/ دست‌پاکی روحانیت/ تقدیس روحانی / دلپاکی و اخلاص در کارها /الگو بودن (در خلوص نیت داشتن)/ روحانی پیشوای دینی/ رهبر دینی بودن و فعالتر از مردم/ نظر خدایی نه جاه و مقام	شخصیت معنوی		
روحانیون	قدیمی بودن تبعیت/ قابل قبول بودن نظر روحانی به طور سنتی/ فرهنگ سنتی مردم/ مرجع بودن روحانی از قدیم/ فرهنگ و سنت کردی	سنت پیروی از بزرگان	مشروعیت سنتی	
ریش‌سفیدان	قدیمی بودن تبعیت/ فرهنگ سنتی مردم/ فرهنگ و سنت کردی			
روحانیون	نقش دین در اعتماد به روحانیت / احترام مردم به دین/ بیان جنبه معنوی همکاری / ایجاد انگیزه در مردم از کانال دینی/ علاقه به دین و وظیفه دینی مردم/ اجر اخروی امور/ احترام به جایگاه روحانیت/ تجهیز روحانی به سلاح دین/ جایگاه دینی روحانیت/ بیان همکاری از دیدگاه شرع/ جایگاه ارزشی/ مصداق دین/ احترام مردم به دین و روحانی/ سروکار داشتن روحانی با قرآن و علاقه مردم به قرآن/ تبعیت بیشتر از روحانی به خاطر جنبه دینی نسبت به دهیار/ در اختیار داشتن منبر و توان روحانی در جمع کردن مردم/ اعتماد به جایگاه روحانی نه جایگاه شخصی وی/ اعتقاد به خداوند و پناه بردن به او	پشتوانه دینی	مشروعیت ارزشی	

مشروعیت کاریزماتیک

روحانیون در اجتماع محلی از ویژگی‌های شخصیتی خاصی مبتنی بر مردم‌داری و معنویت برخوردارند که باعث شده به عنوان الگو و سرمشق این خصایل اخلاقی، مورد پسند اجتماع محلی تلقی شوند که در کنار داشتن پایگاه رهبری دینی از محبوبیت و جایگاه اجتماعی ویژه‌ای برخوردار باشند. با توجه به تعاریف مفهومی و مصادیقی که برای اقتدار کاریزماتیک برشمرده شده، می‌توان گفت روحانیون از مشروعیت کاریزماتیک در راهبری اقدامات توسعه‌ای در سطح اجتماع محلی برخوردارند که بخشی از دلایل اطاعت از دستورات آنها را پوشش می‌دهد. این دسته از ویژگی‌های خاص آنان با تکیه بر جایگاه دینی روحانیت، اهمیتی روزافزون یافته و آنان را در راهبری امور دینی و غیر آن به اشخاصی استثنایی بدل کرده است،

البته اقتدار رهبری روحانیت در اجتماع محلی را نباید فقط به ویژگی‌های کاریزماتیک آنها فروکاست بلکه همان‌طور که اشاره شد مبانی دیگری وجود دارند که دال بر تحکیم جایگاه مشروعیت اقتدار روحانیون در راهبری امور است که در بخش‌های بعدی به آن اشاره خواهد شد.

مردم‌داری روحانیت در ابعاد مختلف زندگی روستاییان خود را نشان می‌دهد و باعث می‌شود آنان برای مردم سرمشق و الگو باشند. ارتباط و مراودات روزمره با مردم، برخورد صبورانه و دلسوزانه، احترام به مردم، مردمی بودن و زندگی در میان مردم، تحریک افراد به کار و تلاش و خدمت‌گزاری مردم از جمله ویژگی‌های رفتاری روحانیون در اجتماع محلی است که باعث شده آنان به پشتوانه این ویژگی‌ها، بتوانند مردم را در راهبری اقدامات توسعه‌ای با خود همراه کنند. یکی از مصاحبه‌شوندگان در باب اهمیت این ویژگی روحانیون و یا به تعبیری دیگر چهره کاریزماتیک روحانیون و تأثیر آن بر تبعیت از فرمان‌های روحانی در راهبری اقدامات توسعه‌ای چنین می‌گفت:

«روحانی یکی از همین مردم است اما با توجه به اینکه به ویژه در روستاها که مجموعه کوچکتری است روحانی چون مراوده با مردم دارد و اگر روحانی نقطه ضعفی نداشته باشد او را دلسوز می‌دانند و دلیل اینکه از او تبعیت می‌شود همین است. ولی روحانی دلسوز است و امانت‌دار است بهت خیانت نمی‌کند بنابراین روحانی اعتبار می‌یابد و از او تبعیت می‌شود.»

یکی از دهیاران در جواب این سؤال که چرا مردم در راهبری اقدامات توسعه‌ای از درخواست‌های روحانیون تبعیت و اطاعت کرده اما تبعیت از نخبگان جدید به مراتب کمتر است، با اذعان به اینکه مردم از آنها هم تبعیت می‌کنند، تبعیت از روحانیون را به ویژگی‌های خاصی نسبت می‌دهد که نخبگان جدید فاقد آن‌اند و آن چیزی جز داشتن چهره‌ای مردمی نیست:

«البته به حرف ما هم گوش می‌دن. اما گوش دادن به حرف روحانی بر می‌شود به اینکه روحانی برخورد صبورانه‌تری با مردم دارد شاید من توان این برخورد را نداشته باشم اگر فردی به جوری برخورد کنه من نمی‌تونم صبورانه برخورد کنم.»

در واقع داشتن صبر و تحمل در اجتماع محلی ویژگی خاصی به شمار می‌آید که افراد مجهز به آن در راهبری امور از قدرت نفوذ و تأثیرگذاری خاصی بر مردم برخوردارند. روحانیون با نخبگان به ویژه نخبگان جدید و تأثیرگذار در حوزه مدیریت روستایی مانند شوراها و دهیاران نیز در ارتباط بوده که اهمیت شخصیت و چهره مردمی روحانیون در پیشبرد و راهبری امور به ویژه اقدامات توسعه‌ای را نشان می‌دهد. از طرفی علاوه بر برخورداری

روحانیت از خصلت مردم‌داری، سرمشق و الگو بودن آنها در پاکدستی و اخلاص باعث شده آنان از جنبه‌های مهم دیگری از مشروعیت کاریزماتیک در راهبری اقدامات توسعه‌ای برخوردار باشند.

جایگاه رهبری دینی روحانیت، پاکدستی و خلوص نیت و توجه آنان به جنبه‌های معنوی و پرهیز از جاه و مقام، روحانیون را در اجتماع محلی به چهره‌ای معنوی بدل کرده است و با توجه به داشتن شخصیت مردمی، آنان از چهره‌ای کاریزماتیک برخوردار بوده و در واقع حضور این ویژگی در این قشر از نخبگان سنتی روستایی، به اقتدار آنان در راهبری اقدامات توسعه‌ای مشروعیت بخشیده است. الگو و سرمشق بودن روحانیون در زمینه پاکدستی و اخلاص در اجتماع محلی باعث شده است مردم آنان را به عنوان شخصیت بزرگی تلقی کنند که توانایی مناسبی را در انجام کارها به ویژه راهبری امور مختلف دارند. یکی از مصاحبه‌شوندگان در این زمینه چنین می‌گوید:

«روحانی شخصیتی بزرگ است. بنابراین از نظر مردم برخی کارها را روحانیت بهتر از مردم عادی انجام می‌دهند. مردم روحانیت را به عنوان انسان‌های پاک‌دست و مطهر شناخته‌اند و آن اعتماد و باوری که مردم به روحانی دارند به غیر روحانی ندارند که این هم به جنبه دینی روحانیت برمی‌شود که مردم در خیلی از امور و کارها به آنان باور دارند.»

پاکدستی و اخلاص روحانیت در امور، سبب اعتماد مردم به آنان شده که در کنار دیگر ویژگی‌های برجسته، آنان را در نظر مردم به شخصیتی بزرگ و الگو تبدیل کرده است. ویژگی‌های مزبور، این باور را در مردم اجتماع محلی به وجود آورده که روحانیون از توانایی مناسبی در راهبری امور برخوردارند. از این رو تبعیت از فرمان‌های آنان را بر خود الزامی می‌دانند.

چنانکه مشاهده شد، بخش مهمی از منشأ مشروعیت اقتدار روحانیون، به ویژگی‌های شخصیتی خاصی بر می‌گردد که آنان را به عنوان چهره و سرمشقی کاریزماتیک در اجتماع محلی تبدیل کرده است. در واقع می‌توان گفت روحانیون در اجتماع محلی از اقتداری کاریزماتیک برخوردارند که از گذشته وجود داشته و مربوط به زمان و یا شرایط خاصی نبوده است، اگرچه باید اذعان کرد برخی روحانیون ممکن است بنا به دلایلی این ویژگی را از دست دهند که این به خروج آنها از اجتماع روستایی منجر و باعث شده مردم به ادامه فعالیت وی رأی ندهند. مواردی از این دست در اجتماعات روستایی مورد بررسی اتفاق افتاده است. یکی از مصاحبه‌شوندگان در خصوص جایگاه شخصیتی و کاریزماتیک روحانیون در اجتماع محلی، احترام مردم به این جایگاه را با احترام به پیامبران بنی اسرائیل مقایسه می‌کرد:

«احترامی که مردم به روحانی در منطقه ما می‌گذارند، پیغمبران بنی‌اسرائیل احترام اونارو ندارند».

تداوم بخشی چهره کاریزماتیک روحانیون به ارزش و جایگاه والای دین در اجتماعات محلی برمی‌گردد. ویژگی‌های شخصیتی روحانیون به نوعی بخشی از رفتار و اخلاق دینی را پوشش می‌دهد. دگرگونی‌های به وجود آمده در زمینه ارتباطات و فناوری و نیز برخورداری از سبک زندگی جدید، با اینکه انتظار می‌رفت به ضعف جایگاه کاریزماتیک و سنتی روحانیون لطمه بزند، لیکن مطابق با آنچه در اجتماع محلی مشاهده می‌شود، دین جایگاه خود را حفظ کرده و مردم با هوشیاری کامل در پی بهره‌گیری از این ظرفیت‌ها در جهت توسعه اجتماع محلی و عقب‌نماندن از اجتماعات هم‌جوار خود هستند.

مشروعیت سنتی

مشروعیت اقتدار سنتی، مشروعیتی است که مردم در طول زمان در محیط اجتماعی خود به آن عادت کرده‌اند. در واقع سنت باعث می‌شود کسانی که در اجتماع محلی مشروعیت دارند، در رهبری توسعه از اقتدار برخوردار باشند. پیروی از بزرگان اجتماع از قدیم‌الایام در عرف و رسوم اجتماعات محلی وجود داشته و در عصر مدرن هنوز به قوت خود باقی است. به‌رغم برخورداری از شاخص‌های زندگی مدرن نظیر سبک‌های زندگی متنوع و وجود فناوری‌های نوین در اجتماعات مورد بررسی، ارزش‌های دینی و سنتی همچنان حاکمیت دارند. از این رو سنت پیروی از بزرگان و معتمدین اجتماع محلی نیز پا به پای تغییرات اجتماعی پیش آمده و از میزان آن کاسته نشده بلکه به قوت به مسیر خود ادامه می‌دهد. ریش‌سفیدان و روحانیون از قدیم‌الایام در اجتماع محلی مطابق با عرف و رسوم، جایگاه اجتماعی خاصی داشته و مورد احترام و اعتماد بوده‌اند به گونه‌ای که سنت پیروی از آنان باعث شده آنان در رهبری امور از مشروعیت برخوردار باشند.

موضوع تبعیت از بزرگان محلی بخشی از فرهنگ سنتی مردم و فرهنگ مناطق کردنشین است که تا به امروز هم ادامه داشته به گونه‌ای که یکی از دلایل مشروعیت ریش‌سفیدان و روحانیون به عنوان نخبگان سنتی در راهبری اقدامات توسعه‌ای برخاسته از سنت اجتماع محلی است. یکی از ریش‌سفیدان در این زمینه می‌گوید:

«در کل در هر روستایی از قدیم‌الایام افرادی در روستا پیدا می‌شوند که مورد اعتماد مردم می‌شوند و مردم به آنان در امور اعتماد می‌کنند بدون آنکه حقوقی هم از مردم بگیرند خدمت‌گزار مردم می‌شوند که روحانی هم از جمله این دسته از آدم‌هاست. مثلاً من که معتمد مردم هستم، به غیر از زحمت من چیزی دریافت نمی‌کنم من نمی‌توانم بی‌تفاوت باشم. روحانیت همیشه پیشقدم بوده مردم از دستور آنها استقبال کرده مثلاً

روحانی قبلی نیز مردم را ترغیب کرد که مسجد را فقط با مشارکت مردم بدون دریافت هیچگونه کمکی از ارگان دولتی نوسازی کرد. مردم از دستور او تبعیت کردند. فرهنگ و سنت کردواری است که از فرمان روحانی و ریش سفیدان تبعیت می‌شود».

مشروعیت سنتی اقتدار روحانیون به گونه‌ای است که این گروه همیشه در اجتماع محلی مرجع بوده و به طور سنتی دیدگاه‌ها و نظرات آنان برای مردم قابل قبول بوده است. تداوم مرجعیت روحانیون در اجتماع محلی که از گذشته‌های دور شروع شده، بر ایده تداوم مشروعیت کاریزماتیک این قشر صحنه می‌گذارد به گونه‌ای که می‌توان گفت مرجعیت آنان در اجتماع محلی، عاملی مهم در تداوم بخشیدن به چهره کاریزماتیک روحانیون است. یکی از ریش سفیدان بر این باور است که:

«از قدیم روحانی برای مردم مهم بوده مردم روستا کمتر سواد داشتند بنابراین روحانی مرجع بوده بعد به نظر من روحانی باید الگو باشد اون باید خودش کار کنه که مردم از او تبعیت کنند. البته ارزش دینی هم مهم است و دین مردم را بزرگ می‌کنه».

یکی از دوره‌های مهم تاریخ اجتماعات روستایی ایران قبل از اصلاحات ارضی است که مبتنی بر نظام ارباب و رعیتی بوده که روحانیون در این دوره نیز از مرجعیت لازم در راهبری امور برخوردار بوده‌اند. یکی از ریش سفیدان مطلع، در این زمینه چنین می‌گفت:

«در آن زمان هم همینطور بوده روحانیت حرمت داشته خیلی بیشتر از الان بوده طرف قتل کرده رفته خونه روحانی دیگه عفو شده حتی که در روستای زمان ارباب، روحانی بوده و آن ارباب ۲۰ روستا داشته گفته نظر نظر روحانی بوده در همین روستای خودمان در زمان ارباب ایشان کاملاً به نظر روحانی احترام می‌گذاشتند. روحانی به مردم کارهایی می‌گفت ولی مردم به دستور روحانی کارها را با دل و جون انجام می‌دادند».

به گفته مطلعین محلی بعد از فروپاشی نظام ارباب و رعیتی، با توجه به فراهم شدن زمینه‌های مشارکت و خروج از استبداد، نخبگان تأثیرگذار محلی که از گذشته در اداره امور عمومی فعال بوده‌اند، فعال‌تر شده‌اند، از این رو ریش سفیدان با تکیه بر مشروعیت سنتی و روحانیون نیز با مرجعیت تاریخی و مشروعیت کاریزماتیک و ارزشی خود، به گونه قابل توجهی به ویژه بعد از انقلاب، در راهبری امور و اقدامات توسعه‌ای ورود کرده‌اند (جهت اطلاعات بیشتر ر.ک.: عبدالله پور، ۱۳۹۶).

در روستاهایی که افرادی با ویژگی‌های مزبور در شوراهای اسلامی وارد شده‌اند، سنت پیروی از بزرگان یا همان مشروعیت سنتی تداوم دارد، لیکن آنطور که مشاهده می‌شود، از آنجا که مبنای حضور افراد در شورای اسلامی و دهیاری بر اساس رأی است، معمولاً افراد جوان حتی با تحصیلات دانشگاهی و افراد منتخب دیگر بر اساس رأی طایفه، نمی‌توانند در نقش

معمدینی درآیند که از مشروعیت سنتی برخوردارند. از این رو نخبگان جدید در مقایسه با نخبگان سنتی در سطح بسیار اندکی می‌توانند نقش راهبری را در پیشبرد اقدامات توسعه‌ای ایفا کنند و در وضعیت‌هایی که به حضور و مشارکت مردم نیاز است، از ظرفیت نخبگان سنتی در جلب مشارکت مردم، رفع موانع و کسب رضایت و توافق مردم استفاده می‌کنند. البته در برخی روستاها نخبگان سنتی با حمایت و تشویق برخی افراد به حضور در انتخابات شورای روستا، آنان که اعتماد اکثریت روستا را جلب کنند، به شورا وارد می‌کنند. برخی ریش‌سفیدان هم با اعتقاد به گردش نخبگان در روستا به شدت بر حضور جوانان با ویژگی‌های ریش‌سفیدی در شورای روستا تأکید دارند. از این رو نهاد شورا و دهیاری نهادی است که از پشتوانه نخبگان سنتی برخوردار است، لیکن هنوز اکثریت اعضای این نهاد به دلایلی که بیان شد نتوانسته‌اند در راهبری توسعه اجتماع محلی، مشروعیت سنتی را که همان سنت پیروی از بزرگان است، کسب کنند.

بحث ریش‌سفیدی در راهبری امور اجتماع محلی از اهمیت زیادی برخوردار شده است. حضور این قشر و اقتدار سنتی آنان با توجه به حفظ و تداوم سنت پیروی از بزرگان در این اجتماعات، راهگشای مشکلات و باعث ارتقای رفاه اجتماع محلی شده است. اگر چه در همه روستاهای مورد بررسی، ریش‌سفیدان دارای اقتدار در راهبری امور بوده لیکن برخی روستاها خود را در این زمینه قوی‌تر و عامل بهبود و توسعه اجتماع محلی خود را ناشی از این ظرفیت می‌دانند. یکی از ریش‌سفیدان که به مدت سه دوره هم عضو شورای اسلامی روستا بوده بر این باور است که:

«..... روستایی است که شهیر شده هم در بحث ریش‌سفیدی و هم اینکه مردم به حرف همدیگر گوش بدن».

از طرفی دیگر، ریش‌سفیدان در تلاش‌اند با اتکا به فرهنگ سنتی خود البته به شیوه‌ای مشارکت‌جویانه، پیشرفت و ترقی اجتماع محلی خود را در مقایسه با اجتماعات محلی پیرامون به سطح بالاتری ارتقا دهند. یکی از ریش‌سفیدان با پرهیز از فرهنگ استبدادی می‌گوید:

«می‌دونی جریان به حرف ما گوش دادن چیه ما مثل قدیم نیستیم که کدخدا چیزی گفت باید حتماً انجام بشه ما پدرسالارانه برخوردار نمی‌کنیم الان بحث با هم بودن است».

اکثریت نخبگان اجتماع محلی به ویژه نخبگان سنتی بر این باورند که حرف‌شنوی و تبعیت که به صورت سنتی در اجتماع ریشه دوانیده، لازمه پیشرفت و ترقی اجتماع محلی است. در این زمینه مردم هم از قدرت تشخیص برخوردارند و تبعیت از هر کسی را پذیرا نیستند بلکه نخبگان سنتی باید حافظ منافع جمعی باشند تا در مردم نفوذ داشته و اطاعت آنان

را برانگیزند. بنابراین انگیزه اطاعت مردم که سنت احترام و تبعیت از بزرگان بوده ممکن است با ارجحیت منافع شخصی بر منافع جمعی اجتماع محلی خدشه دار شود و فرد رهبر مشروعیت خود را از دست دهد و یا با کاهش روبرو شود. یکی از ریش سفیدان درباره اهمیت این موضوع می گوید:

«اگر در روستا تو به حرف من گوش ندی و من به حرف تو گوش ندم کاری پیش نمی ره. هر کسی مسئولیتی داره پنج تا گوسفند داشته باشی باید به چوپان داشته باشن روستا هم همینطوره باید به مسئولی داشته باشه ریش سفید هم همینطوره. مردم می دونند که این ریش سفید یا مسئول مصالح و منافع شخصی نداره و برای مردم و منافع مردمی و روستا کار می کنه. بنابراین کارشکنی تو این موضوع نیست اگر امروز این کار برای روستا انجام نشه فردا از دستمون در رفته بنابراین مردم به حرف ما گوش می دن».

به طور کلی مشروعیت اقتدار ریش سفیدان در راهبری توسعه محلی که برگرفته از عرف و رسوم سنتی حاکم بر اجتماع است، بیانگر تبعیت کورکورانه و بدون چون و چرای مردم نیست بلکه اشاعه فرهنگ مشارکت پذیری در اجتماع محلی و انگیزه پیشرفت و ترقی اجتماع محلی و گسترش فرهنگ همدلی و برابری باعث شده است مردم از رهبرانی تبعیت کنند که در این زمینه حرکت می کنند. به طور کلی راهبری امور در این اجتماعات از گونه رهبری مشارکتی است که رفتارهای استبدادی را بر نمی تابد. یکی از ریش سفیدان در این زمینه می گوید:

«مردم خودشون می دونند که ما هدفمون خدمت به مردم است و هدفمون این نیست که به مردم فشار بیاوریم و کمک اونارو بگیریم و کار ما تحمیلی نیست و دلخواهانه است در منطقه ما همیشه خودیاری بوده و مردم اگه بدوند که کسی خدمت می کنه مشارکت می کنند. مردم الان پیشرفت کرده اند و می دونند که کی چیکار می کنه و البته من و یا ریش سفید و یا روحانی و شورا که برای مردم کار می کنند مردم اونارو می شناسند البته کار این افراد هم برای کسب جایگاه و مقام نیست بلکه خدمت به مردم است و مردم وقتی این واقعیت ها را می بینند به حرف اونارو گوش می دند و در کارها با اشتیاق مشارکت کامل دارند. مردم بیخودی از کسی تبعیت نمی کنند اگر کسی خدمت کنه مردم با دید بازی به قضیه نگاه می کنند و نیت شما را می بینند و کورکورانه عمل نمی کنند و اگر ببینند دنبال منافع شخصی هستند مردم از او تبعیت نمی کنند».

در مجموع می توان گفت به طور سنتی از دستورات بزرگانی که در سطح اجتماع محلی خدمت گزار بوده، به صورت داوطلبانه و با ارجحیت دادن منافع و مصالح جمعی بر منافع و مصالح شخصی عمل کرده و از توانمندی در راهبری امور برخوردارند، برای پیشبرد امور محلی اطاعت می شود. البته این فرایند مستلزم کسب اعتماد است به عبارتی دیگر با شکل گیری اعتماد و تداوم آن در این فرایند، روابط اقتدار مبتنی بر مشروعیت سنتی شکل می گیرد.

مشروعیت ارزشی

پشتوانه دینی منشأ مهم اقتدار روحانیون به عنوان نخبگان سنتی در راهبری اقدامات توسعه‌ای است. از این رو در سطحی انتزاعی‌تر می‌توان گفت نخبگان سنتی از مشروعیت مبتنی بر ارزش‌های دینی برخوردارند. همان‌طور که در جدول یافته‌ها ملاحظه شد، تنها روحانیون‌اند که از این نوع مشروعیت در اقتدار برخوردارند. حاکمیت ارزش‌های دینی در اجتماعات محلی سبب شده سنت و عرف اجتماعی همسو با احترام و تبعیت از بزرگان است، حفظ و تقویت شود، ضمن آنکه مشارکت در آبادانی و توسعه هم به مثابه تکلیف دینی تلقی شود. مشروعیت ارزشی، بانی مرجعیت روحانیت در طول تاریخ اجتماع محلی بوده که به تبع آن اقتدار کاریزماتیک این قشر را نیز سبب شده و تداوم بخشیده است.

با توجه به تجهیز روحانیون به سلاح دین و در اختیار داشتن منبر از یک طرف و احترام، علاقه و اعتماد مردم به دین و جایگاه ارزشی روحانی از طرف دیگر، به زعم مردم محلی روحانیون می‌توانند با بیان جنبه معنوی همکاری و مشارکت از دیدگاه شرع و اجر اخروی آن در مردم ایجاد انگیزه کنند. تبعیت از روحانی در راهبری اقدامات توسعه‌ای، به واسطه اعتماد به جایگاه ارزشی وی بوده و نه جایگاه شخصی که ایشان در اجتماع محلی دارند. آنطور که در اجتماعات محلی مورد بررسی مشاهده شد، دینداری در سطح بالایی وجود دارد و نسبتاً شدت و حدت آن به طیف سنی خاصی ارتباط ندارد. اهمیت دین و ارزش‌های دینی تا آنجا بوده که روحانیون ضمن تأثیرگذاری فراوانی در راهبری اقدامات توسعه‌ای به واسطه مشروعیت مبتنی بر پشتوانه دینی، نقش بسیار اساسی در راهبری بهسازی و بازسازی مساجد به عنوان بخشی از توسعه فرهنگی داشته به گونه‌ای که مساجد مناطق روستایی مورد بررسی بناهای وسیع و معماری نسبتاً فاخری دارند.

یکی از ریش‌سفیدان با بیان اینکه روحانیون الگو و نماد دینداری در دنیای امروزند، این امر را دلایل حرف‌شنوی مردم از آنها در راهبری اقدامات توسعه‌ای می‌داند:

«برای این مردم روحانی را قبول دارند و به حرف او گوش می‌دهند مردم روشن شده‌اند و اگر به حرف برادر گوش نکنند به حرف روحانی گوش می‌دهند. در آسفالت کردن، در آبادانی، در مدرسه‌سازی در هر امری. حتی مردم امورشان را با دولت از طریق روحانی انجام می‌دهند زیرا معتقدند که دولت حرف روحانی را بیشتر از شورا قبول دارد. پیامبر الگو برای جهان اسلام بوده و الان هم روحانیت الگو هستند.»

یکی از روحانیون هم می‌گفت:

«آنچه عزت به انسان می‌بخشد دین است می‌بینی که کسی مقام مهمی دارد ولی مردم به حرفش گوش نمی‌دن. سلاح بزرگ روحانی دین است. روحانی منظورش خدایی است جهت جاه و مقام نیست و مردم از

او تبعیت می‌کنند. انگیزه روحانی خدمت دینی است که در این امور درگیر است بنابراین او یک هدف دینی دارد. مردم به دین احترام می‌گذارند و روحانی نماد دین است پس از او تبعیت می‌شود. روحانی دین را حفظ می‌کند».

اعضای شورای روستا و دهیاران و در کنار آن ریش‌سفیدان، با تکیه بر ظرفیت ارزشی مشروعیت روحانیون، آنان را در راهبری اقدامات توسعه‌ای و دیگر امور اجتماع محلی درگیر کرده و همین امر باعث شده تا روحانیون به عنوان یکی از نخبگان سنتی اثرگذار در راهبری اقدامات توسعه‌ای به شمار آیند. رسالت دینی ایجاد عمران و آبادانی یکی از عوامل انگیزشی مهم در ورود روحانیون در راهبری اقدامات توسعه‌ای است. از طرف دیگر آنان در امر رهبری به ویژه رهبری خدمت‌گزار و مبتنی بر رویکرد مشارکتی توانمند بوده به گونه‌ای که مردم انتظار دارند روحانیون در راهبری امور محلی درگیر باشند و در صورتی که از این توانمندی برخوردار نباشند، جایگاه چندان پایداری جهت ادامه فعالیت در روستا را نخواهند داشت.

نتیجه‌گیری

یافته‌های تجربی پژوهش بیانگر آن است که مشروعیت نخبگان سنتی از سه زمینه کارزماتیک، سنت و ارزش نشأت گرفته است. جالب اینجاست مشروعیت عقلانی به معنای حاکمیت قوانین در روابط اقتداری، جایگاهی در اجتماع محلی ندارد و آنجا که شوراهای اسلامی و دهیاران با پشتوانه قانونی وارد فعالیت در امور روستایی شده در صورتی که بخواهند نقش رهبری را ایفا کنند، لاجرم باید از پشتوانه قانونی خود فاصله گرفته و بر مشروعیت ناشی از زمینه‌های اجتماع محلی اتکا کنند. اتکا به روش‌های کدخدامنشانه، سنت متداول و جالافته‌ای در اجتماع روستایی است که بر روش‌های پیگیری امور از طریق قانون اولویت دارد.

روحانیون از ترکیبی از مشروعیت مبتنی بر سنت، کارزماتیک و ارزشی برخوردارند در حالی که ریش‌سفیدان با اتکا به سنت، در پی مشروعیت‌یابی خود در راهبری اقدامات توسعه‌اند. اقتدار کارزماتیک، سنتی و ارزشی روحانیون و اقتدار سنتی ریش‌سفیدان، عامل مهمی در راهبری توسعه اجتماع محلی است که نخبگان جدید حوزه مدیریت روستایی نظیر شوراهای اسلامی و دهیاران این نوع اقتدار را ندارند و آنان در جایی که در مدیریت امور محلی نیاز به حضور و مشارکت مردم داشته باشند و یا بخواهند مردم را توجیه کرده و موافقت آنان را کسب کنند، لاجرم باید از ظرفیت نخبگان سنتی در راهبری امور مربوطه استفاده کنند.

کارزمای روحانیون که مبتنی بر چهره‌ای مردم‌دارانه و معنوی بوده از پایگاه دینی روحانیت برخاسته و با مرجعیت آن در طول تاریخ اجتماع محلی، جایگاهی ویژه را در عرف

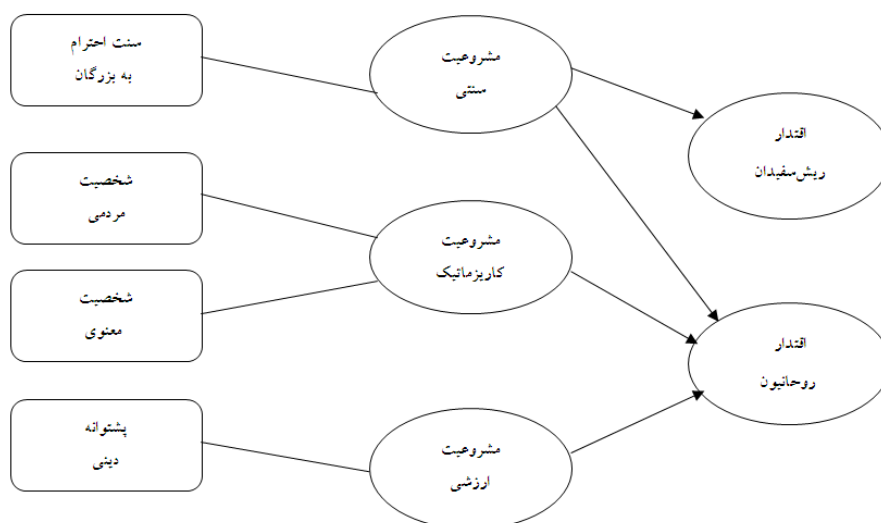
و رسوم این اجتماعات دست و پا کرده است. از این رو پشوانه دینی روحانیون و جایگاه والای دین در اجتماع محلی، ضمن ایجاد مشروعیت ارزشی برای روحانیون، مشروعیت کاریزماتیک آنها را نیز سبب شده است. سنت پیروی از بزرگان نیز که نوعی مشروعیت سنتی است باعث شده روحانیون از گذشته در اجتماع محلی از مرجعیت در امور برخوردار باشند. ضمن اینکه باید گفت دینداری اجتماع محلی، سنت پیروی از بزرگان را تقویت کرده و بر تداوم آن نقش دارد. به طور کلی اهمیت دین در اجتماع محلی، متغیر مهمی است که کمتر در مدیریت و راهبری توسعه اجتماعات روستایی بررسی شده که تحقیق پیش رو بخش اندکی از کارکردها و نقش آن را نشان داده است. وجود ترکیبی از انواع اقتدار در اجتماع محلی با نتایج وبر (۱۳۷۴)، کوزر (۱۳۸۰)، کرایب (۱۳۸۶)، پلگرینو (۲۰۱۰) و سامر (۲۰۱۱) همخوانی دارد.

امروزه اجتماعات محلی نسبت به گذشته تغییرات زیادی را به خود دیده که از متنوع شدن سبک زندگی تا تحول در ارتباطات و فناوری را شامل می‌شود. در اثر چنین دگرگونی‌هایی، ارزش‌های سنتی و دینی رنگ نباخته بلکه به قوت به مسیر خود ادامه می‌دهد. در چنین شرایطی، برخورداری ریش‌سفیدان از اقتدار سنتی و روحانیون از ترکیبی از اقتدار سنتی، ارزشی و کاریزماتیک، به معنای این نیست که مردم اجتماع، چشم‌پسته از دستورات آنان در راهبری اقدامات توسعه‌ای اطاعت کنند بلکه فرمان چنین افرادی در بستری از ارزش‌های سنتی و دینی قابل تبعیت است که افراد مذکور در آن، رهبری خدمت‌گزار بوده و با ارجحیت منافع جمعی بر منافع شخصی عمل کرده باشند. آنها با توجه به توانمندی که در راهبری امور دارند می‌توانند با جلب اعتماد مردم به مشروعیت سنتی، ارزشی و یا کاریزماتیک دست یابند. این نتایج بیانگر آن است که رهبری ریش‌سفیدان و روحانیون از نوع رهبری خدمت‌گزار و مشارکتی است، ضمن آنکه فرایند رهبری- پیروی در چارچوب سرمایه اجتماعی بوده که رویکرد اعتماد و روابط مبتنی بر مشارکت را عامل مهمی در توسعه مشارکتی برمی‌شمارد. همه رویکردهای توسعه اجتماع محلی، توجه به سنت‌ها، رهبری، سرمایه اجتماعی و مشارکت را امر مهمی در توسعه آن اجتماع می‌دانند و مشروعیت اقتدار نخبگان سنتی در راهبری توسعه اجتماع محلی بر این واقعیت‌ها بنا نهاده شده است.

وجود اقتدار مبتنی بر مشروعیت ناشی از دین و مبانی حرفه‌ای به عبارتی دیگر، اقتدار ارزشی که روحانیون به عنوان نخبگان سنتی در راهبری اقدامات توسعه‌ای در سطح اجتماعات از آن برخوردارند، با انتقاداتی که ویلر (۱۹۶۷)، ساتو (۱۹۷۵)، ناس (۱۹۸۶) و گوزمان (۲۰۰۷)

طرح کرده، همخوانی دارد. تداوم اقتدار کاریزماتیک روحانیون و روزمره نشدن آن از دیگر نتایج این تحقیق است که با نتایج پروکوپ (۲۰۰۵) و دباشی (۱۹۸۹)، همخوانی دارد. منشأ مشروعیت اقتدار نخبگان سنتی در راهبری بهبود وضعیت اجتماع محلی بر اساس یافته‌ها را می‌توان به صورتی که در شکل ذیل آمده ترسیم کرد:

مدل ۱) منشأ مشروعیت اقتدار نخبگان سنتی در راهبری بهبود وضعیت اجتماع محلی



اقتدار نخبگان سنتی، عامل بسیار مهمی در راهبری و مدیریت توسعه اجتماع محلی بوده که بدون پرداختن به آن امکان توسعه محلی مردم‌گرایانه وجود ندارد. زیرا آنچه در رویکردهای نظری توسعه محلی مدنظر است، برنامه‌ریزی توسعه از پایین به بالا یا توسعه مبتنی بر مشارکت جامعه هدف است و ایجاد زمینه‌های جلب مشارکت مردم، بسترسازی، کسب موافقت آنها و رفع موانع با هدف تحقق این نوع از توسعه، زمانی امکان‌پذیر است که نخبگانی از اجتماع محلی بتوانند نقش راهبری را در این زمینه ایفا کنند. پذیرش راهبری بدون توجه به مشروعیت آنها ممکن نبوده و لازمه اقتدار در رهبری کردن امور، اتکا به مشروعیتی است که آنان در سطح اجتماع دارند تا بتوانند مردم را وادار کنند از دستورات آنها با هدف توسعه محلی اطاعت کنند. به طور کلی با توجه به اینکه توسعه محلی مستلزم بهره‌گیری از ظرفیت‌های اجتماع محلی است، ایفای نقش رهبری در امور و مشروعیت ناظر بر آن مهم بوده که بدون آن امکان تحقق توسعه واقعی مردم‌گرایانه وجود ندارد. بر اساس یافته‌های تحقیق

می‌توان پیشنهاد ذیل را برای بهره‌گیری از بنیان‌های مشروعیت اقتدار در راهبری توسعه محلی ارائه داد:

- تعریف طرح‌های پژوهشی با موضوع مبانی مشروعیت اقتدار نخبگان سنتی در دیگر مناطق فرهنگی و جغرافیایی کشور (ماهیت پیشنهاد: مطالعاتی با تولیت وزارت کشور).
- مستندسازی ویژگی‌های معتمدین سنتی و ارائه آموزش‌های ضمن خدمت به شوراهای اسلامی و دهیاران با هدف فرهنگ‌سازی و تقویت این ویژگی‌ها در این اعضا (ماهیت پیشنهاد: اجرایی با تولیت وزارت کشور).
- تشویق افراد دارای ویژگی‌های ریش‌سفیدی در اجتماع محلی برای حضور در نهادهای مشارکتی جدید روستا و حمایت از آنان از طرف نخبگان سنتی (ماهیت پیشنهاد: اجرایی-متولی: اجتماع محلی).

منابع

- آرون، ریمون (۱۳۷۰). *مراحل اساسی اندیشه در جامعه‌شناسی*. ترجمه باقر پرهام، چاپ دوم: تهران: انتشارات و آموزش انقلاب اسلامی.
- ترک‌زاده، جعفر و سکینه جعفری (۱۳۹۱). رویکردها و نظریه‌های سنتی و نوین رهبری: به سوی جهان‌بینی رهبری. *فصلنامه توسعه منابع انسانی و پشتیبانی*، سال هفتم، شماره ۲۵، پاییز، صص: ۹۱-۱۳۴.
- رفیع‌پور، فرامرز (۱۳۸۴). *توسعه و تضاد: کوششی در تحلیل انقلاب اسلامی و مسائل اجتماعی آن*. چاپ ششم، تهران: شرکت سهامی انتشار.
- عبداله‌پور، جمال (۱۳۹۶). *واکاوی نقش نخبگان سنتی روستایی در راهبری توسعه اجتماعات محلی*. رساله دکتری رشته جامعه‌شناسی دانشگاه تهران، دانشکده علوم اجتماعی، گروه مطالعات توسعه، راهنما: دکتر حسین ایمانی جاجرمی.
- فرمانداری شهرستان سردشت (۱۳۹۶). *امور دهیاری‌ها*. فرمانداری شهرستان سردشت.
- فروند، ژولین (۱۳۶۲). *جامعه‌شناسی ماکس وبر*. ترجمه: عبدالحسین نیک‌گهر، چاپ اول، تهران: نشر نیکان.
- کوزر، لیونیس (۱۳۸۰). *زندگی و اندیشه بزرگان جامعه‌شناسی*. ترجمه: محسن ثلاثی، چاپ نهم، تهران: انتشارات علمی.
- محمدپور، احمد (۱۳۹۲ ب). *روش تحقیق کیفی (ضد روش)*. جلد ۲، چاپ دوم، تهران: انتشارات جامعه‌شناسان.
- مرکز آمار ایران (۱۳۹۵). *سرشماری عمومی نفوس و مسکن*. انتشارات مرکز آمار ایران.
- وبر، ماکس (۱۳۷۴). *اقتصاد و جامعه*. ترجمه: عباس منوچهری، مهرداد ترابی‌نژاد و مصطفی عمادزاده، چاپ اول، تهران: انتشارات مولی.

- Arnstein, S. (1969). A ladder of citizen participation. *Journal of the American Institute of Planners*, 35, pp: 216-224.
- Behzad, S. & N. Ahamad (2012). The role of the community in communities development: promotion of self depende through education. *African Journal of Business Management*, 6(49).
- Bikam, Peter & James Chakwizira (2014). Involvement of Traditional Leadership in Land Use Planning and Development Projects in South Africa: Lessons for Local Government Planners. *International Journal of Humanities and Social Science*, Vol. 4, No. 13; November, pp: 142-152.
- Blau, Peter M. (1963). Critical remarks on Weber's theory of authority. *American Political Science Review*, 57, No. 2:pp: 305-316.
- Brockopp, Jonathan E. (2005). Theorizing Charismatic Authority in Early Islamic Law. *Comparative Islamic Studies*, 1.2:pp: 129-158.
- Brown, M. E. and L. K. Trevino (2006). Ethical Leadership: A Review and Future Directors. *Leadership Quarterly*, Vol. 17, pp:595-616.
- Dabashi, Hamid (1989). *Authority in Islam: From the Rise of Muhammad to the Establishment of the Umayyads*. New Brunswick: Transaction.
- Emerson, R.; Fretz, R. and L. Show (1995). *Writing ethnographic fieldnote*. Chicago: University of chicago Press.
- Escobar, Arturo (1984). Discourse and Power in Development: Michel Foucault and the Relevance of his Work to the Third World. *Alternatives*, volume 10, issue 3, winter, pp: 377-400.
- Escobar, Arturo (1995). *Encountering Development: the making and unmaking of the third world*. Princeton, NJ: Princeton University Press.
- Escobar, Arturo (2000). Beyond the Search for a Paradigm? Post-development and Beyond. *Development*, 43 (4), pp: 11-14.
- Escobar, Arturo (2007). *Post-development as concept and social practice*", in Aram Ziai, *Exploring Post-development: Theory and practice, problems and perspectives*. First published, New York: Routledge.
- Friedrich, Carl J. (1961). Political leadership and charismatic power. *Journal of Politics*, 23, No. 1, pp: 3-24.
- Furedi, Frank (2011). *The Authority of Public Opinion—why Weber declined to take part in the conversation*. Max Weber Studies, 11.1, pp: 119-139.
- Gershman, Shayna Debra (2013). *An Evaluation of Public Participation Techniques Using Arnstein's Ladder: the Portland plan*. A thesis presented to the graduate school of the University of Florida in partial fulfillment of the requirements for the degree of Master of Arts in Urban and Regional Planning.
- Greenleaf, R. K. (1977). *Servant Leadership: A journey into the Nature of Legitimate power and greatness*. Paulist Press, New York, NY.
- Guzman, Sebastian (2007). *Professional Authority and Technocratic Authority: Rethinking of the Role of Expertise in Weber's Typology of Legitimate Domination*. The New School for Social Research, November, pp: 1-19.
- Kretzman, John and John L. Mcknight (1993). *Building communities from the inside out: a path toward finding and mobilizing a community's assets*. Chicago, IL: ACTA publications.
- Lazarsfeld, Paul F. and Anthony R, Oberschall (1965). *Max Weber and empirical social research*. American Sociological Review, 30 (February), pp: 135-199.
- Mathie, A. & G. Cunningham (2003). From clients to citizens: asset-based community development as a strategy for community – driven development. *Development in Practice*, 13(5), pp: 474-486.
- McIntosh, Donald (1970). Weber and Freud: On the Nature and Sources of Authority. *American Sociological Review*, Vol. 35, No. 5 (Oct.), pp: 901-911.
- Mohammad, M & Silong, A. D. (2010). Leadership roles in community development in Malasia. *Journal of Global Business Management*, 6(2), 1.
- Nass, Clifford I. (1986). Bureaucracy, technical expertise, and professionals: a weberian approach. *Sociological Theory*, 1986, Vol. 4, Spring: pp: 61-70.

- Ozor, N and N. Nwankwo (2008). The Role of Local Leaders in Community Development Programmes in Ideato Local Government Area of Imo State: Implication for Extension Policy. *Journal of Agricultural Extension*, Vol. 12 (2) December.
- Parsons, Talcott (1947). *Introduction in Max Weber: The Theory of Social and Economic Organization*. edited by T. Parsons. Glencoe, IL: The Free Press.
- Pellegrino, Anthony M. (2010). Pre-Service Teachers and Classroom Authority. *American Secondary Education*, 38(3) Summer, pp: 62-78.
- Rahman, M. (1993). *People Self Development*. London: Zed books.
- Satow, Roberta Lynn (1975). Value-Rational Authority and Professional Organizations: Weber's Missing Type. *Administrative Science Quarterly*, December, volume 20, pp: 526-531.
- Scott, Wituk, Ealey, Sarah, Jo Clark, Mary, Heiny, Pat and Greg Meissen (2005). Community Development through Community Leadership Programs: Insights from a Statewide Community Leadership Initiative. COMMUNITY DEVELOPMENT: *Journal of the Community Development Society*, Vol. 36, No. 2, pp:89-101.
- Shatar Sabran, Mohammad (2003). *An Introduction to Community Development and Leadership*. Serdang: University Putra Malaysia.
- Silong, Abu Daud (2009). *Leadership Theories, Research and Practice: Framing Future Leadership Thinking*. Serdang: University Putra Malaysia.
- Sommer, Michael (2011). Empire of glory Weberian paradigms and the complexities of authority in imperial Rome. *Max Weber Studies*, 11.2: 155-191.
- Tlhoaele, Clement Timas (2012). *The interface between traditional leadership in shared rural local governance*. Dissertation, master of arts in public management and governance, university of Johannesburg.
- Wilier, David E. (2001). *Max Weber's missing authority type, in John Scott, power*. London: Routledge.